

در اوج جنگ جهانی دوم گروه کوچکی از جوانان عضو کنگره ملی آفریقا ANC گرد هم جمع شدند. این گروه از ویلیام نموکو، والتر سیسولو، الیور تامبو، آشبای مدا، نلسون ماندلا و ۵۴ نفر دیگر تشکیل شده بود و رهبری آن را آنتون لمپد Anton Lembede به عهده داشت. این مجموعه کوچک وظیفه ای را در مقابل خود نهاد که شاید بی انجام آن، آفریقای جنوبی هرگز از آپارتاید خلاص نمی شد. وظیفه مذکور که ناممکن به نظر می رسید این بود که کنگره ملی آفریقا را به یک جنبش اجتماعی تبدیل کند. جنبش حق طلبانه ای که میلیونها کارگر، برزگر و متخصص را در بر می گرفت.

اساسی ترین مسئله مورد نظر گروه جوان مذکور، این بود که نشان دهد، راهکارهای پارلماناریستی و عریضه نویسی که محور فعالیت های رهبری قدیمی ANC و مبتنی بر مبارزه پارلماناریستی برای رسیدن به حقوق مردم آفریقای جنوبی بود، روشی درخور زمان نیست. آنتون لمپد و دوستان او معتقد بودند تنها راه رسیدن به هدف، تکیه بر هویت ملی و ناسیونالیسم رادیکال آفریقایی بود. بر اساس همین تفکر بود که در سال ۱۹۴۴ «لیگ جوانان کنگره ملی آفریقا» شکل گرفت.

پشتکار، صداقت و دیسیپلین نلسون جوان در

راهی که می رفت چنان بود که امکان نداشت دیگران را تحت تاثیر نگذارد، پس او در سال ۱۹۴۷ به عنوان دبیر «لیگ جوانان» انتخاب شد. در این سال علاوه بر آنتون لمپد که در کمیته رهبری ANC حضور داشت، ۲ نفر دیگر نیز به عضویت این کمیته در آمدند. با طرح شعار Inyaniso که «حقیقت» معنی می دهد، و وفاداری به این شعار، لیگ جوانان کنگره ملی توانست به سرعت در اعماق جامعه ریشه بدواند و زمینه را برای پذیرش سیاست هایش در درون کنگره ملی آماده سازد.

در سال ۱۹۴۸ همه چیز یکسره شد. «حزب ملی» در انتخاباتی که فقط سفیدها حق شرکت در آن را داشتند قدرت را به دست گرفت و نژادپرستی به دکتترین رسمی حکومت تبدیل شد و در نتیجه، تبعیض نژادی و تحقیر بی حد و مرز اکثریت جامعه، نزدیک به نیم قرن سایه ای سنگین بر جنوب قاره سیاه انداخته و لکه ننگی ابدی بر دامن بشریت نشاند.

در پی این رخداد، در سال ۱۹۴۹ نلسون ماندلا همراه با دیگر رهبران لیگ جوانان «برنامه عمل» را به کنگره پیشنهاد کردند. در دنیای خارج از آفریقا، جنگ جهانی دوم تمام شده بود و جرقه هائی خبر از شروع جنگ از نوعی دیگر میداد و سرانجام جنگ سرد آغاز شد. جنگی که گاه زبانه های آتش گرم آن هزاران انسان را

در کام خود می کشید.

در اولین سالهای دهه ۱۹۵۰ که در آتش جنگ با آمریکا می سوخت و بخش هایی از اروپای شرقی دستخوش ناآرامی های گاه خونین بود. این ناآرامی ها از مقاومت اقشاری از مردم در مقابل حکومت های اقماری اتحاد جماهیر شوروی ناشی می شد. همزمان در آفریقای جنوبی که به سرزمین های تحت سلطه ملکه انگلستان commonwealth تعلق داشت، قوانین تبعیض آمیز هر روز گسترده تر و اعمال آنها سبانه تر می شد. در سال ۱۹۵۲ کنگره ملی آفریقا کمپین نافرمانی مدنی در مقابل قوانین ناعادلانه آپارتاید را آغاز کرد. ماندلای ۳۴ ساله به عنوان رهبر نیروهای داوطلب در سطح کل کشور انتخاب شد. در این دوره ماندلا به سراسر کشور سفر می کرد و با تلاشی خستگی ناپذیر گروه های داوطلب برای پیوستن به کمپین نافرمانی مدنی را سازمان می داد. تلاش های ماندلا، او و همراهانش را به دادگاه کشاند. قاضی در حکم خود نوشت، ماندلا

## معلم انگلیسی، ناتوان از تلفظ نام کوچک ماندلا، اورا نلسون نام گذاشت

به عنوان متهم ردیف اول و دیگر متهمان در اقدام مسالمت جویانه برای مقاومت در مقابل قوانین موجود مجرم شناخته می شوند. در حکم آمده بود که این گروه پیروان خود را به عدم کاربرد خشونت ترغیب می کند.

بر اساس قانون ضد کمونیسم، ماندلا به زندان تعلیقی محکوم شد. پس از پایان کمپین او از شرکت در هر گونه گرد هم آیی نیز منع شد. در همین دوره محکومیت به «عدم فعالیت»، ماندلا امتحانات پایانی دانشکده حقوق را پشت سر گذاشت و به عنوان وکیل، یک دفتر حقوقی باز کرد.

در پایان سال ۱۹۵۲ ماندلا به پاس تلاش هایش در «کمپین برای نافرمانی مدنی» به ریاست لیگ جوانان و نائب رئیسی کنگره ملی انتخاب شد.

الیور تامبو از رهبران و بنیانگذاران لیگ جوانان که در دفتر حقوقی اش با نلسون ماندلا شریک بود، در سال ۱۹۹۳، یک سال پیش از پایان ابدی آپارتاید در آفریقای جنوبی و مدت کوتاهی قبل از مرگ خود، وقتی که ریاست کنگره ملی را به عهده داشت، در باره آن سال ها نوشت:

«هر روز صبح، وقتی که ماندلا و من تلاش می کردیم

به میز کار خود برسیم، باید صف طولانی مراجعینی را پشت سر می گذاشتیم که اتاق انتظار را راهرو ها را پر کرده بودند. .... در آفریقای جنوبی، بدون زمین بودن یک کشاور به نوعی یک جرم بود و بسیاری از مراجعان به این دلیل آمده بودند که از زمین های آبا و اجدادی شان آنها را بیرون انداخته بودند. .... ما در جامعه خودمان به عنوان متخصص به جایگاهی دست یافته بودیم. نه من و نه ماندلا نمی خواستیم علیه رژیم آپارتاید سرکشی کنیم. اما هر بار حضور ما در دادگاه و همراجه ای به زندان برای گفتگو با موکلانمان، تحقیر و درد جان سوز آورده به مردم مان را به ما یاد آوری می کرد.

جایگاه تامبو و ماندلا به عنوان وکلای دعوی، این دو حقوق دان را از تعرض قوانین نژادپرستانه مصون نگه نداشت. ماندلا دیر تر در این باره نوشت که دفتر کارشان از آنها گرفته شد و آنها به محلی با کیلومترها فاصله فرستاده شدند. محلی که موکلان در ساعت کاری قادر به رسیدن به آن نبودند.

در دهه ۱۹۵۰ جدایی نژادی در دانشگاه های عمومی، «قوانین عبور و مرور» و مبارزه علیه استعمار کارگران توجه ماندلا را جلب کرد. انواع و اقسام فشار،

ایجاد موانع متعدد کاری، بازداشت و زندان های مکرر نتیجه توجه ماندلا به مسائل بالا بودند.

در نیمه دوم دهه ۵۰ ماندلا دفتر حقوقی خود را از دست داد و فعالیت سیاسی برایش ممنوع شد. فاجع ه کشتار جمعی که در شارپ ویل ((۱)) در سال ۱۹۶۰ صورت گرفت به غیرقانونی شدن کنگره ملی آفریقا و زندانی شدن نلسون ماندلا که هنوز دوران زندان تعلیقی را می گذراند، انجامید.

پس از آزادی، به دلیل فشارهای روز افزون بر اثر غیرقانونی بودن کنگره ملی، ماندلا دوباره تحت پیگرد قرار گرفت. اما اینبار او زندگی مخفی را برگزید. گاهی لباس یک کارگر را پوشید و گاهی نقش راننده را بازی کرد. مهارت او در فرار از پلیس، نام مستعار Pimpernel ((۲)) را برای وی به ارمغان آورد. در همین سالها کنگره ملی آفریقا شاخه نظامی خود را تاسیس کرد. دیرتر ماندلا در دادگاه گفت: «در جون ۱۹۶۱ بعد از بررسی مفصل و طولانی وضعیت آفریقای جنوبی، من و دیگر همقطارانم به این نتیجه رسیدیم که استفاده از خشونت گریزناپذیر است. وقتی که حکومت درخواست های صلح آمیز ما را با خشونت پاسخ می دهد، غیر واقع گرایانه است که رهبران آفریقا صلح و عدم خشونت را موعظه کنند.»

ادامه در صفحه ۱۲